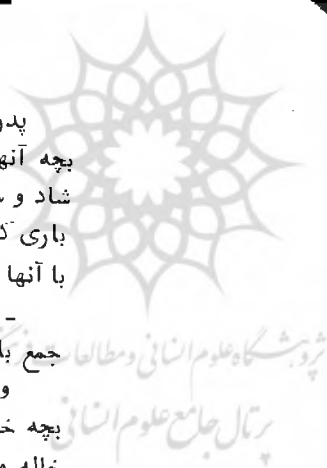


ایا بزرگ شما طبعی است؟

پدر و مادر از رشد بچه خود راضی هستند،
بچه آنها پسریست بسن یکسال ونیم ، خیلی
شاد و سرحال است و شیطانی می کند ، آخرین
باری که او را نزد پزشک برده بودند ، پزشک
با آنها تبریک گفته و اظهار داشته بود :
- بچه کاملاً سالم و خوبی است ، خاطر تاز
جمع باشد .

ولی رضایتی که پدر و مادر از سلامت
بچه خود دارند با تذاکراتی که عمه ، دایی
خاله و پدر بزرگ و مادر بزرگ و بالاخر
همسایه ها میدهند و گوشه و کنایه ای که آنها
میزنند ، کم از بین میرود و پدر و مادر د
باره لودک خود دچار تردید می شوند .

عمه خانم میگوید : - اوا بچه شما چطور
حرف نمیزند ، دختر خواهرم وقتی همسن این
بچه بود مثل بلبل حرف میزد و صحبت میکرد
پدر بزرگ اظهار عقیده میکند : - چطور
این بچه نمی تواند از پله ها پائین بیاید و بالا
برود ؟ یک پسر بچه سالم با این سن و سال
باید خودش به تنهایی بتواند از پله بالا برود
و پائین بیاید . و بالاخر همسایه سمت راست
میگوید : - چرا این بچه خودش نمی توانا



غذایش را بخورد ، بچه من که بسن او بود احتیاجی نداشت کسی باو در غذا خوردن کمک کند و خودش به تنهایی با قاشق غذایش را میخورد.....

خلاصه هرکسی که میرسد بانها چیزی میگوید و این حرفها هم در پدر و مادر اثر میکند و آنها در سلامت بچه خود و اینکه رشد او طبیعی است دچار شک و تردینمیشوند و شروع به مقایسه بچه خود با کودکان همسن او میکنند که نسبت به بچه های دیگر چقدر قد کشیده است ؟ و زنش چقدر شده است ؟ و چه کارهایی را میتواند بکند و از عهده چه کارهایی برنیآید ؟

عدای از پدر و مادرها از این مقایسه ها ناراحت و دچار تشویش نمی شوند ولی بیشتر از پدر و مادرها دچار تردید میشوند که آیا آنچه را که برای رشد و نمو کودکشان لازم بوده است انجام داده اند ؟ و شروع میکنند که با پسر و یا دختر خود تمرین کنند باین اسید که کودک آنها از بچه های همسن و سال خود سبقت بگیرد ، و شاید بتواند زودتر از موقع راه بیفتد یا سریع تر از بچه های دیگر با قاشق غذا بخورد .

حالا به بینیم که ایا واقعا این تمرینهایی که پدر و مادرها با بچه های خود میکنند مؤثر است ؟ و رشد و نمود آنها را سریع میکند یا نه ؟

باین سؤال دانشمندان با آزمایشها و تجربیاتی که کرده اند پاسخ داده اند ، چندی قبل هیاتی از دانشمندان چند بچه دوقلوی یک تخمی را که از حیث شکل و استعداد و روحیات شباهت فوق العاده ای بیکدیگر دارند مورد آزمایش قرار دادند ، این بچه های دوقلو را از یکدیگر جدا کرده و به یکی از آنها تمرینات و تعلیمات لازم را دادند و دیگری را بحال خود رها کردند ، نتیجه ای

که از تمام این آزمایشها بدست آمد ، بدین ترتیب بود که کود کانی که تمرین میکردند در روزهای اول از برادران و خواهران دوقلوی خود جلو افتادند و راه رفتن ، حرف زدن و غذا خوردن را یاد گرفتند ولی پس از چند روز بسرعت پیشرفت آنها کند شد و بچه هایی که تمرین نکرد بودند بانها رسیدند و بالاخره در یک مدت زمان معین بچه های تمرین دیده و تمرین ندیده هر دو از یک نوع رشد مشابه برخوردار شدند علت این امر چه بود ؟ علت آنست که بچه پیش از آنکه بتواند و بخواهد یک حرکتی را انجام دهد ، باید عضلات - استخوان بندی و بالاخر سلسله اعصاب او از نظر انجام آن حرکت آمادگی داشته باشد و باصطلاح قدرت آنرا پیدا کرده باشد .

ضمنا در این آزمایشات روشن شد که یک پدر و مادر در مورد کودکان خود از نظر تقویت رشد آنها چه باید بکنند ، طبق نتیجه این آزمایشات پدر و مادر فقط نمی بایستی با کودک خود بتمرین بپردازند بلکه آنها باید به کودک خود این امکان را بدهند که بتواند حرکات مخصوصی را آزمایش کند و آنرا انجام دهد . و بعقیده دانشمندان همه تکامل مکانیکی بدن کودک (انجام حرکات عضلات) بستگی باسکانی دارد که پدر و مادر به کودک خود میدهند . از جمله راه رفتن ، از پله بالا و پائین رفتن ، روی صندلی رفتن و نشستن و فیجان و لیوان را بدست گرفتن ، کارهایی است که بچه ها در آغاز ، بان آشنا نیستند و نمی توانند به تنهایی انجام دهند ولی همینقدر که پدر و مادر خود را در کنارشان دیدند و بانها اعتماد کردند می توانند اینکارها را انجام دهند و موفق هم میشوند ، حالا تا چه اندازه هر کودکی به پدر و مادر خود اعتماد کرده و در نتیجه می تواند اینکارها را زودتر یا دیرتر فراگیرد ، بستگی به خود آن

طفل و استعداد او دارد، در حقیقت این نکته را باید دانست که هیچ بچه‌ای کاملاً شبیه بچه دیگر نیست و چیزهایی که درباره یک بچه صادق است ممکن است در مورد دیگری صادق نکند و نباید انتظار داشت که بچه‌ها از این حیث درست دارای یک نوع استعداد و توانایی باشند.

اختلاف استعداد و توانایی بچه‌ها هر قدر که آنها بیشتر رشد کنند، زیادتر می‌شود، معمولاً رشد بچه‌ها، مشابه و مساوی یکدیگر نیست و هر کودک به نسبت ساختمان بدنی و استعداد خود مدت کمتر یا زیادتری را لازم دارد تا بتواند کار جدید و تازه‌ای را شروع کند، پدران و مادران اگر در رفتار کودکان خود دقت کنند، درست زمانی را که کودک آنها استعداد انجام کار تازه‌ای را پیدا کرده است درسی یابند و می‌فهمند چه موقعی مثلاً کودک آمادگی تمرین بالا و پائین رفتن از پله‌ها را دارا شده است و در آن موقع است که کمک پدر و مادر به بچه مؤثر واقع می‌شود. در مورد اینگونه بین استعدادهای کودکان تا چه حدی اختلاف موجود است و استعداد بچه‌ها چه نوساناتی دارد، دانشمندان آزمایشات زیادی کرده‌اند که سهمترین آنها آزمایش تستی بزرگی است که توسط دو نفر از دانشمندان و اساتید دانشگاه «کلورادو» واقع در ایالت «دنور» امریکا انجام شد، در این تست هزاران کودک در سنین مشابه مورد آزمایش قرار گرفتند، بعدها نظیر این آزمایش توسط دانشمندان و اساتید دانشگاه‌های هاسبورگ و دوسلدرف آلمان هم صورت گرفت و نتایج مشابهی با آزمایشات تحقیقات دانشمندان امریکایی بدست آمد، نتیجه این تحقیقات بطور کلی چنین بود که نوسانات استعداد کودکان خیلی زیاد بود، این نوسانات از چند روز شروع شده و بالاخره

بزرگتر به چند سال هم میرسید - بدین معنی که عده‌ای از کودکان در فاصله چند روز، چند هفته، چند ماه و بالاخر چند سال بعد از کودک همسن و سال خود می‌توانستند کارها و حرکات او را انجام دهند و ضمناً آنها کودکان عقب افتاده هم بشمار نمی‌رفتند و کاملاً عادی بودند و موجبی برای نگرانی از وضع آنها وجود نداشت.

برای آنکه مطلب روشن‌تر شود چهار مورد از تحقیقات دانشگاه کلراد و آمریکا را در اینجا نقل میکنیم تا تفاوت استعدادهای کودکان همسن و سال نیز برای خوانندگان تشریح گردد:

* بعضی از کودکان یک ماهه‌ونیم بعد از تولد می‌توانند در موقعی که آنها را می‌نشانند سر خود را راست نگاهدارند و سر آنها بچپ و راست متمایل نمی‌شود. در حالیکه بیشتر از بچه‌ها این حرکت را در سه ماهه‌ونیم پس از تولد می‌توانند انجام دهند.

* عده‌ای از کودکان در پنج ماهگی میتوانند بدون کمک پدر و مادر خود یا دیگری بنشینند، در حالیکه بقیه نشستن را در هشت ماهگی، یعنی بفاصله سه ماه بعد از آن کودکان می‌توانند انجام دهند.

* بعضی از بچه‌ها در ۱۱/۵ ماهگی می‌توانند از جای خود بلند شده و راه بروند و حال آنکه اکثریت بچه‌ها فقط در ۱۷ ماهگی است که راه سیاقفتند.

* بعضی از بچه‌ها در سه سالگی میتوانند مدت ده ثانیه تمام یک پای خود را بلند کرده و بدون آنکه بزمین بیفتند روی یک پای دیگر بایستند، در حالیکه اکثریت بچه‌ها این حرکت را فقط در ۶ سالگی می‌توانند بکنند (یعنی بفاصله سه سال بعد از آنها).

نکته قابل ذکر دیگر اینست که بچه‌ها

معمولا برای اینکه هر حرکتی را بتوانند انجام دهند قبلا تمریناتی بطور خود کار و مرحله به مرحله میکنند . و پس از طی این مراحل است که آنها توانایی کار خاصی را پیدا می نمایند .

روانشناس معروف آمریکایی پروفیسور «میرتل مک گراو» در طی یک تحقیق روی رشد بچه ها به این نتیجه رسید که هر کودک برای آنکه بتواند بایستد و تعادل خود را حفظ کند و راه برود ، ۱۶ مرحله مختلف را باید طی کند و پس از طی این ۱۶ مراحل تدریجی است که راه سیافتند . یا اینکه موقمی که یک کودک بطرف یک اسباب بازی میخزد که آنرا بردارد در سه مرحله حرکتی را انجام میدهد ، در مرحله اول سعی او در آنست که خود را بطرف اسباب بازی بکشد و بعد از آن خود بدین منظور فشار می آورد . مرحله دوم طی را و فاصله میان او و اسباب بازیست و مرحله سومی بالاخره دراز کردن دست و گرفتن آن اسباب بازی می باشد .

در حقیقت همانطور که گفته شد توانایی حرکات مکانیکی عضلات بچه ها بستگی به چگونگی رشد جسمانی و مخصوصا عضلات و استخوان های آن دارد ، بعلاوه عوامل مختلف دیگری هم در این امر مؤثر است و این عوامل عبارتند از اسکان های کمکی که پدر و مادر در اختیار طفل خود قرار میدهند ، بچه پسر است یا دختر ؟ آیا غالبا بیمار است یا همیشه سالم و سرحال است ؟ و بالاخره در کجا و تحت چه شرایطی زندگی میکند .

مواردی هم هست که البته ممکن است بچه ها بعللی عقب افتاده شده اند و در این موارد که پاره ای از آنها ذکر می شود باید پدر و مادر حتما کودکان خود را نزد پزشک ببرند :

* اگر بچه تا سیزده ماهگی ، موقع

نشستن بتواند سر خود را لااقل برای مدت یک دقیقه راست نگاهدارد و دائما سرگردن او لمس بوده و بطرفین متمایل شود .

* اگر تا شش ماهگی نتواند چشمان خود را به نقطه ای ثابت نگاهدارد و جایی را تماشا کند .

* اگر تا ۲۶ هفته بعد از تولد متوجه صدا نشود و با شنیدن صدا ، سر خود را بآنطرف برنگرداند .

* اگر تا ۴۸ هفته بعد از تولد نتواند بنشیند و یا اینکه بحال چهار دست و پا روی زمین حرکت کند .

* اگر تا سن یکسال ونیم نتواند بطور مستقل راه برود .

کودک معمولا وقتی بسن ۱۴ ماهگی برسد براحتی میگذارد که غذا باو بدهند ، یعنی وقتی قاشق را بطرف دهانش میبرند سر خود را برمیگرداند ، دهانش را باز میکند و آده خورده غذا میگیرد ، بیشتر بچه هادر ۱۸ ماهگی میتوانند قاشق غذا را خودشان بطرف دهان ببرند البته در اوایل کار آنها دچار اشتباه شد و غذا از دهانشان میریزد ولی کم کم و بتدریج غذا خوردن را فرا میگیرند .

یک کودک چهارساله معمولا باید آنقدر توانایی داشته باشد که بتواند شلوار خود را در حال ایستاده بپوشد ، و در حقیقت او باید حداقل ده ثانیه روی یک پاتعداد خود را حفظ کند ولی خیلی از بچه ها هم هستند که در چهار سالگی نمی توانند مدت ده ثانیه روی یک پا تعادل خود را حفظ کنند و بناچار در حالت نشسته شلوار خود را می پوشند .